

#### نگاه

**وکیل خانواده سیدامامی در گفت‌وگو با «شرق»:**

### هنوز گزارش پزشکی قانونی را ندیده‌ایم

● **شرق:** بهمن سال ۹۶ بود که خبر فوت کاووس سیدامامی، استاد دانشگاه امام صادق، رسانه‌ای شد. مراجع رسمی علت مرگ را خودکشی اعلام کردند. فیلم موسوم به خودکشی نیز هم به خانواده سیدامامی-فرزند ایشان و وکلا- نشان داده شد و هم به نمایندگان مجلس.
باین‌حال نمایندگان خواستار بررسی دقیق‌تر پرونده شدند و برخی نیز اعلام کردند در فیلم مشاهده‌شده، تصویر خودکشی به چشم نمی‌خورد.
حالا بیش از دو ماه از آن تاریخ گذشته و وکلای خانواده سیدامامی کماکان دنبال واقعیت‌اند. رامین و مهران، پسران سیدامامی، اواخر سال گذشته راهی کانادا شدند و در لحظه خروج متوجه شدند مادرشان مریم ممبینی، ممنوع‌الخروج شده است. در گفت‌وگو با آرش کیخسروی، یکی از وکلای خانواده سیدامامی، آخرین اطلاعات پرونده و پیگیری آنها را جویا شدیم.
بهمن سال ۹۶ نهمینا سیدامامی که گروهی دیگر از فعالان محیط زیست نیز بازداشت شدند. هنوز اطلاعات دقیقی از پرونده سیدامامی و دیگر فعالان محیط‌زیستی منتشر نشده است.

#### کاخبر تازه‌ای از پرونده مرحوم سیدامامی به دست آمده؟

روز چهارشنبه نتوانستیم با جناب شهرداری (سرپرست ناحیه ۲۷ امور جنایی) ملاقات کنیم.

#### کاموضوع ملاقات شما چه بود؟



یک سری فیلم هست و ما باید این فیلم‌ها را ببینیم؛ ولی باید حضوری آقای شهرداری را ببینیم. مهم‌تر از همه اینکه باید بدل این پرونده را بخوانیم.

#### کابدل پرونده؟

کاووس سیدامامی یک پرونده امنیتی دارد. در آن پرونده دلیل بازداشت و مدارک و مستندات مشخص شده و اگر ما بتوانیم این پرونده را بخوانیم، آن‌وقت مسئله وکالت ما معنا پیدا می‌کند؛ وگرنه بدون دسترسی به آن پرونده، پیگیری مسائل بسیار دشوار خواهد بود.

#### کابروز خبرها آمده بود که وکیل دیگر پرونده از بروز کبودی و علایم تزریق بر پیکر آقای سیدامامی خبر داده بودند. این مسئله صحت دارد؟

ما هنوز پرونده پزشکی قانونی را ندیده‌ایم.

#### کاپس چه موقع قرار است پرونده را ببینید؟ نکاتی در پرونده بوده که شخص آقای شهرداری آن را به پزشکی قانونی برگردانده‌اند تا اطلاعات کامل باشد و بعد آن پرونده نهایی در اختیار ما قرار بگیرد. به‌این‌ترتیب، وکلای پرونده هنوز به اطلاعات پزشکی قانونی پرونده سیدامامی دسترسی ندارند. همکار من کلیات یک پرونده پزشکی را شرح داده‌اند که در آن از کبودی روی بدن تا احتمال تزریق در آن می‌آید. خبرنگار هم برداشت درستی از حرف‌ها نداشته‌اند و مطلب درست منتقل نشده است.

#### کابالاخره شما بناسط چه زمانی به اطلاعات پزشکی قانونی دسترسی داشته باشید؟ گزارش آزمایش‌ها را روز سه‌شنبه این هفته خواهیم دید. البته اگر نهایی و آماده شده باشد. کازمایش‌ها شامل چه نکاتی خواهد بود؟ بررسی کامل سم‌شناسی و دلایل هر نوع کبودی روی بدن و جزئیات دیگری که درباره این پرونده وجود دارد.

#### کاروند بررسی پرونده تا اینجای کار چطور بوده؟ ما تا زمانی که پرونده امنیتی را نخوانیم، پیگیری‌ها فایده‌ای ندارد. هروقت هم بخوانیم بدون تردید همه مفادش را به اطلاع مردم خواهیم رساند. بالاخره پرونده سیدامامی پرونده‌ای است که حالت بین‌المللی دارد. در این موضوع با مردم صادق خواهیم بود.

#### کاماجرای ممنوع‌الخروجی همسر مرحوم سیدامامی هنوز پابرجاست؟ متأسفانه ممنوع‌الخروجی هنوز حل نشده و امیدواریم با درایت مسئولان این مسئله نیز برطرف شود.

#### کآیا فرزندان سیدامامی به ایران باز خواهند گشت؟ خانواده مرحوم سیدامامی قصد ترک ایران را ندارند؛ اما خب باید شرایط آنها را درک کنیم. آنها در شرایط خاص روحی و سوگواری به سر می‌برند و در حالت غم هستند. اطلاع دارم که فرزندان سیدامامی قصد بازگشت به ایران را دارند.

politics@sharghdaily.ir

**شرق:** اصلاح‌طلبان مقصدند، هم مقصر وضع

موجود، هم وضع گذشته و هم آینده. آمدن احمدی‌نژاد تقصیر اصلاح‌طلبان بود. اگر در آینده یک نظامی نیز رئیس‌جمهور شود، مقصر برآمدنش اصلاح‌طلبان‌اند. این‌اول و آخر مسئولیت‌پذیری در جریان اصولگرایی است. عباس سلیمی‌نمین در میزگرد سالنامه «شرق» درباره چرایی برآمدن احمدی‌نژاد گفته بود: «اگر جریان کارگزاران و برخی اصلاح‌طلبان درایت رهبری را می‌پذیرفتند و به دعای دو نسل دامن نمی‌زدند، آقای احمدی‌نژاد بالا نمی‌آمد...». بی‌ذیرد بحثی که ما را وادار به حمایت از احمدی‌نژاد کرد، تقابل یک جریان در مقابل تدبیر رهبری بود. قطعاً شخصی مانند آقای احمد توکلی در دور اول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد با او مسئله‌دار شده بود. ایشان به‌شدت به او واکنش نشان می‌داد و او را آدم ناقض‌العهدی می‌دانست؛ اما مجبور شد از او حمایت کند. در آن مقطع، بیش از آنکه بحث حمایت از احمدی‌نژاد مطرح باشد، تقابل با چرخش قدرت مطرح بود...». حالا دکتر امیر محبیان، استاد دانشگاه، مدیرعامل خبرگزاری آریا، رئیس مرکز پژوهشی راهبردی آریا و مؤسس حزب نواندیشان نیز در تحلیل خود از طرح بحث رئیس‌جمهوری نظامی، توپ را به زمین اصلاح‌طلبان می‌اندازد و می‌گوید این‌گونه بحث‌ها را ابتدا اصلاح‌طلبان مطرح کردند. آنها به این موضوع پروبال می‌دهند. دغدغه اصلاح‌طلبان قاسم سلیمانی است چون محبوبیت دارد ...

این در حالی است که فتح باب درباره تمایل به روی‌کارآمدن نظامی در قامت رئیس‌جمهوری در هفته‌ها و ماه‌های اخیر از سوی اصولگرایان طرح شده است. حتی تحلیل‌تئوریک و جامعه‌شناختی آن نیز از سوی چهره‌های آکادمیک نزدیک به این جریان صورت گرفته است و حتی چهره‌هایی از همین جریان، عمدتاً با پیشینه نظامی و شبه‌نظامی، درباره مصداق‌های موجود رئیس‌جمهوری نظامی نیز صحبت کرده‌اند.

دکتر محبیان طبق عادت‌ی مالفوف، اعلام کرد سؤال‌ها به صورت مکتوب ارسال شود تا ایشان پاسخ دهد. «شرق» در پذیرفتن یا نپذیرفتن درخواست ایشان مختار بود. باین‌حال سؤال‌ها ارسال شد؛ اما با توجه به اینکه پاسخ‌های داده‌شده از نگاه «شرق» قانع‌کننده نبود و اصلاً در این شیوه امکان هیچ‌گونه چالش یا نقد پاسخ‌های مصاحبه‌شونده وجود ندارد، بعد از دریافت پاسخ‌ها، گفت‌وگوی کوتاهی نیز در تلگرام با ایشان انجام شد که در انتهای مصاحبه مشخص و مجزا شده است.

#### کچرا از چند ماه پیش رزمه به‌قدرت‌رسیدن یک نظامی در قامت رئیس‌جمهوری بعدی از سوی برخی چهره‌های اصولگرا مطرح شده است؟

این‌گونه بحث‌ها فعلاً در حکم جریان قابل تحلیل جدی نیست؛ زیرا کثرت و قسوت بیان‌ها در حدی نیست که واقعیت‌های سیاسی به‌شمار رفتن و بر اساس آن سناریوهایی که بتوان به آنها اتکا کرد، طراحی شود. واقعیت این است که این‌گونه بحث‌ها ابتدا از سوی اصلاح‌طلبان مطرح شد و نه اصولگرایان. برای یادآوری تأکید می‌کنم که آقای جباریان در آذر سال ۸۱، در مقاله‌ای در ماهنامه آفتاب، با عنوان «دولت پلیسی-دولت پادگانی» این اصلاح‌را را به کار برد و به‌زودی این عبارت در کلام سخنرانان و سیاستون اصلاح‌طلب شد. جباریان در آن زمان شاخصه‌های دولت پلیسی و پادگانی را این‌گونه برشمرد: «دولت پادگانی به نحوه‌ای از حکومت‌داری اطلاق می‌شود که چهره‌هایی از نیروهای امنیتی به قدرت می‌رسند و با بسیج نیروها امنیتی و نظامی و به‌قدرت‌رسیدن نظامیان و قدرت، ایدئولوژی ترور و وحشت را به صورت غیرمحسوس در جامعه حکمفرما می‌کنند». نکته جالب آن بود که تعداد نیروهای باسابقه امنیتی در دولت‌های اصلاح‌طلب همیشه چندبرابر دولت‌های اصولگرا یا غیراصلاح‌طلب بوده است. بنابراین اگر بحث از دولت پادگانی و به‌قدرت‌رسیدن نظامیان و امنیتی‌ها فضیلتی داشته باشد، باید آن را به حساب اصلاح‌طلبان نوشت و نه اصولگرایان. به عبارت روشن‌تر، اصلاح‌طلبان باسابقه امنیتی همیشه از پیروژه «به‌قدرت‌رسیدن نظامی‌ها و امنیتی‌ها» به‌عنوان یک مترسک سیاسی برای هراساندن مردم و گرفتن رای از آنها استفاده کرده‌اند؛ ولی اشتباه آنان این است که با این استفاده مکرر، عملاً قیق این مفهوم را از بین برده‌اند و این خیانتی بزرگ به هواداران اعمال روش‌های دموکراتیک در تعاملات سیاسی از هر دو جناح بود. به عبارت روشن‌تر، آنها در تاریخ ایران به‌عنوان جاده‌صاف‌کن هر اقدام غیردموکراتیک فرضی شمرده خواهند شد.

#### کآیا رخدادهای دی‌ما، با تهدیدات اخیر ترامپ و سرانجام مبهم برجام باعث شده برخی اصولگرایان مسئله به‌قدرت‌رسیدن یک نظامی را به بهانه لزوم تأمین امنیت مطرح کنند؟ آنچه که از لحاظ روان‌شناختی توده‌ها موجب گرایش مردم درگیر در اشتغالات زندگی روزمره به سوی حاکمیت یک فرد قدرتمند مثلاً نظامی می‌شود، آشفتنگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در حدی است که مردم احساس کنند مدیران فعلی توان ایجاد نظم و امنیت و فراتر از همه تصمیم‌گیری قاطع را ندارند. این عوامل ممکن است ذهنیت اجتماعی را برای ظهور این پدیده سیاسی در سیاست‌های عرفی فراهم کند؛ ولی

## سیاست

#### امیر محبیان:

## بحث «دولت پادگانی» تقصیر اصلاح‌طلبان است



غیردموکراتیک در کشور برای کسب قدرت نکرده است.

#### کازمه به‌قدرت‌رسیدن یک نظامی در قامت رئیس‌جمهور چه توجیهی می‌تواند داشته باشد در شرایطی که همیشه رئیس‌جمهور از مسیر صندوق رأی انتخاب می‌شود. آیا طرح این مسئله نوعی تبلیغات زودهنگام و غیرمتعارف برای برندسازی یا آماده‌کردن ذهنیت مردم برای به‌قدرت‌رسیدن یک نظامی نیست؟

به گمان من دلیل پروبال‌دادن به این بحث توسط اصلاح‌طلبان، نگرانی آنها از شرایط موجود است. نخست آنکه می‌دانند مردم حساب اصلاح‌طلبان را از این ناکارآمدی‌ها جدا نخواهند کرد. دوم

اینکه دغدغه مردم اقتصادی است و نه سیاسی اما اصلاح‌طلبان چون حرفی در ارائه راه‌حل‌های اقتصادی ندارند سوزۀ‌آفرینی‌های سیاسی می‌کنند تا اذهان را از اقتصاد منحرف کنند. سوم اینکه شدیداً نگران محبوبیت سردار قاسم سلیمانی هستند که در گمان دارند که اصولگرایان با به نظام در حال چهره‌سازی برای انتخابات ۱۴۰۰ هستند. به گمان من این بحث‌ها روی سخن چند نفر در واقع از نگرانی و اضطراب اصلاح‌طلبان از عدم محبوبیتشان در انتخابات ۱۴۰۰ پرده برمی‌دارد؛ از این‌رو تلاش دارند کاندیداهای محتمل از منظر خود را پیشاپیش تخریب کنند.

#### کتجربه تاریخی در دنیا و حتی کشور ما خاطره خوبی از حکومت یا به‌قدرت‌رسیدن نظامیان ندارد. در این صورت آقایان با چه استدلالی درصدد توجیه به‌قدرت‌رسیدن یک نظامی‌اند.

ورود به این بحث که تاریخ درباره حاکمیت نظامیان چه حکمی دارد؛ مسئله‌ای انحرافی است. اصل موضوع سندیّت ندارد؛ نمی‌توان برای فرع آن به بحث پرداخت. در مجموع به گمانم این پروژه حاکمیت نظامیان که به بهانه صحبت‌های چند نفر از سوی اصلاح‌طلبان به راه افتاده است، فقط و فقط دال بر آن است که اصلاح‌طلبان نگران ازدست‌دادن افکار عمومی هستند و می‌کوشند با هراساندن افکار عمومی از یک موضوع وهمی آنان را سمت خود نگه دارند که حالی که مقتدر آن است، حتماً خطرات آن کارآمد و مفید برای حل معضلات مردم ارائه کنند. اگر آنان با موفقیت مشکلات مردم را رفع کنند، قطعاً مردم از لحاظ ذهنی آماده پذیرش راه‌حل‌های دیگر نمی‌شوند.

نمی‌شود. اما حساس‌های است که باعث شده روی ورود نظامیان در سیاست امرال خاص صورت گیرد؛ وگرنه مسئله کاندیداتوری یک شهروند که در سابقه شغلی‌اش نظامی‌گری دیده می‌شود، نیست.

#### کاقبول دارید که در پس‌زمینه ذهنی برخی اصولگرایان همواره نوعی مدل رضاخانی مد نظر بوده است؟ حمایت از فعالیت یا حتی رضایی در دوره‌های قبل با استفاده از عناوینی مانند رضاخان حزب‌اللهی، رضاخان انقلابی و کاقالییاف درباره خودش به کار برده بود. آیا نشان‌دهنده چنین علاقه‌ای نیست؟

همیشه پس‌زمینه بخشی از جامعه این است که کسی نباید که آشفتنگی‌ها را برطرف کرده و مسائل را با قدرت حل کند. این ارتباطی هم به اصولگرا و اصلاح‌طلب ندارد. این احساس هم زمانی به وجود می‌آید که در مدیریت حاضر نوعی سستی و کاهلی در تصمیم‌گیری مشاهده شود با مردم احساس کنند که امنیت آنها به عنوان یک نیاز اولیه و حیاتی به خطر افتاده است. به نظر من اصلاح‌طلبان به جای پرداختن به دغدغه‌های فرعی و حاشیه‌پردازی‌ها تلاش کنند که بر کارآمدی دولت بیفزایند و به مردم احساس آرامش و کارآمدی نهادهای اجرایی را در عمل القا کنند. اگر چنین شد، بستر نیاز به ظهور فرد قدرتمند و قدرت‌مدار حالا از هر رسته‌ای از میان می‌رود.

#### کآیا حامیان یک رئیس‌جمهور نظامی به دنبال یک مسیر دیگر به جز صندوق رأی برای به‌قدرت‌رسیدن یک نظامی‌اند؟ هر مسیری جز صندوق‌های رأی در کشور ما برای کسب قدرت در حوزه ریاست‌جمهوری بسته است. به نظر من اصلاح‌طلبان با انتقال دغدغه‌های سیاسی خود به عرصه اجتماعی تابوشکنی نکرده و باب‌های ناصحیح را نگشایند. هیچ سیاست‌مدار خردگرا و دلسوزی در ایران سخن از کشودن مسیرهای

صورت گرفته نه اصلاح‌طلبان! حتی نام سردار سلیمانی از سوی برخی از همین چهره‌های اصولگرا مطرح شده. یعنی شما دارید کاملاً صورت مسئله را پاک و فراتر از آن کلا عوض می‌کنید و از ظن و ذهن خود ماجرا را تحلیل می‌کنید.

تأکید کردم ذکر نام یا طرح مسئله از سوی دو یا سه نفر افراد غیرکلیدی در حکم جریان، قابل تحلیل نیست. بیش از همه حساسیت اصلاح‌طلبان در این مورد قابل تحلیل است که از سال ۸۱ در این زمینه تحلیل و تأکید دارند و بر احتمال سناریوی دولت پادگانی اصرار دارند؛ ۱۶ سال از طرح این فرضیه گذشته است و تحقق نیافته ولی آنان هر زمان کاندیداهای باسابقه نظامی را با همین حربه زیر فشار می‌برند اما با وجود مطابق‌نبودن واقعیات با فرضیه آنها همچنان بر آن اصرار می‌ورزند. این بار هم سوزۀ آنها حاج قاسم سلیمانی است. به همین دلیل من تحلیل یک فرضیه ۱۶ساله ناموفق و دلایل آن را بر صحبت چند نفر ترجیح می‌دهم. اتفاقاً من تحلیلی را توهم می‌دانم که عمری ۱۶ساله در رحم ذهن تحلیلگران اصلاح‌طلب دارد ولی هنوز متولد نشده است؛ گاه فکر می‌کنم آنان دعا می‌کنند که این اتفاق- یعنی دولت پادگانی- با همه خسارت عملی ممکنش رخ ن‌دهد تا آنان از صحت تحلیلشان خشنود شوند.

#### کماجرا را اصولگراها راه انداخته‌اند. شما می‌گویید اصلاح‌طلبان دارند موج‌سازی می‌کنند. حتی اگر این‌طور باشد پاسخ شما به همان روشن است نظام سیاسی موجود امکان یک «دولت پادگانی» را ایجاد نمی‌کند زیرا لازمه آن

تجمعیت قدرت در دست دولت پادگانی است و نظام ولایت فقیه با این ساختار همخوان نیست؛ زیرا قدرت توزیع شده و نیز ولی فقیه بالای سر دولت‌ها حضور دارد. پس یا باید ولی فقیه را از قدرت خلع و در گمان دارند که اصولگرایان با به موجب تغییر مفهوم و ماهیت نظام ولایت در عمل می‌شود یا فقیه را همان حاکم نظامی دانست که باز هم با تعریف دولت پادگانی همخوان نیست. با آنکه بر آن باشیم که حاکمیت قصد دارد دولت نظامی سرکار آورد که طبعاً انتخاب‌های مختلف خلاف آن را نشان می‌دهد؛ زیرا هیچ اعمال نفوذی را برای رئیس‌جمهورکردن یک نظامی ندیدیم که اگر اعمال نفوذ بود، نتیجه چنین نبود که می‌بینیم.

#### کآیا به نظر شما آن عده از اصولگراها که بحث رئیس‌جمهور نظامی را مطرح کرده‌اند، نه وزنی در اصولگرایی دارند نه قدرتی و نه توان ساختن جبرانی و پشتوانه‌ای؟ نباید نگران بود و نباید اهمیتی به حرفشان داد؟

در حوزه تحلیل هر سخنی را می‌توان تحلیل کرد اما تحلیلگر باید همه جوانب موضوع را هم بسنجد. در کجا مشخص شده است که اصولگرایان به عنوان یک جناح به این تصمیم رسیده‌اند؟ احزاب معتبر چنین گفته‌اند؟ شخصیت‌های کلیدی چنین اظهار کرده‌اند؟ افرادی معدود نظر خود را گفته‌اند. اگر با این مدل پیش برویم و نظر شا‌ذ چند نفر درون اصلاحات را دال بر براندازی بگیریم و آن را تعمیم دهیم، آیا کاری بخردانه کرده‌ایم؟ قطعاً آن تعمیم را نخواهید پسندید.

#### کرییس‌جمهور نظامی دفاع می‌کنند؟ دنبال چه هستند و به چه می‌اندیشند؟

شخصی دیگر نظری را مطرح کرده، دلیل طرح نطرش را از تحلیلگری دیگر خواستن که عقلانی نیست. نظر آنان و دلایلشان را از خودشان بی‌رسید. دلایل حساس‌شدن اصلاح‌طلبان و نیز دلیل متناقض‌بودن تئوریک بحث را من مطرح کردم.

#### کایعنی به اعتقاد شما ماجرا فقط این است که اصلاح‌طلبان حساس شده‌اند و موضوع مهم و قابل اعتنایی نیست؟

اصلاح‌طلبان به عنوان یک جریان سیاسی حق دارند حساسیت‌های خود را داشته باشند، حق دارند اولویت‌ها یا حتی بازی‌های سیاسی خود را داشته باشند؛ همین‌طور این حق برای اصولگرایان هم هست. البته طرفین هم حق دارند اسیر بازی رقیب نشوند و اجازه ندهند جریان مقابل برای آنها دستور جلسه و دستور کار بنویسد. احتمال ورود سیزدهم به تعالیا سیاسی اگر احتمال آن هم خیلی کم باشد، چون محتمل قوی است، می‌توان روی آن بحث کرد ولی ما معتقدیم که بحث مذکور از سوی اصلاح‌طلبان با هدف مدیریت افکار عمومی به سود خود و فرار از ضعف عملکردها در قبال افکار عمومی صورت می‌گیرد.

به دلایل مشخصه طرح این بحث از سوی اصلاح‌طلبان را در نهایت ناقض غرض آنها می‌دانم ولی به‌هرحال آنها هم مصلحت‌سنجی‌های خودشان را دارند. اما پیشنهاد من آن است که فعلاً حل مشکلات مردم به‌ویژه در حوزه اقتصادی اهمیتی بیشتر از این بازی‌های سیاسی دارد. باید همه اصلاح‌طلب‌ها و اصولگراها در جهت افزایش کارآمدی دولت و نظام حرکت کنیم. این به‌خیر و صلاح مردم نزدیک‌تر است. آنچه بخشی از جامعه را به نفی اصلاح‌طلب و اصولگرا در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ کشاند، همین بحث‌های دور از واقعیت زندگی مردم است. دو جریان سیاسی اگر خیر دنیا و آخرت را می‌خواهند، بهتر است به جای مسئله‌سازی برای مردم، مسائل آنها را حل کنند.

#### رویداد

### رئیس‌جمهوری زیر آتش روزنامه جوان

● **احمدی‌نژاد:** بچه‌های من جاسوس نیستند. برادرانم کارچاق‌کن نیستند؛ بقایي: دختر من جاسوس نیست و ۶۳ حساب شخصی ندارم؛ احمدی‌نژاد: می‌گویند چپ‌را گفته دختر من جاسوس نیست و برای او تشکیل پرونده دادند. خب دختر او جاسوس نیست، هست؟». اینها در ابتدای سرمقاله مدیرمسئول روزنامه «جوان» آمده‌تا در ادامه به این نتیجه برسد که سخنان روحانی در مراسم روز ارتش با «نیت الوده» بوده است. «عبدالله گنجی» در ادامه بند قبلی، سخنان روحانی را هم آورده: «روحانی در مراسم روز ارتش: ارتش با آنکه سیاست را خوب می‌فهمد، اما هرگز در بازی‌های سیاسی وارد نشده؛ به وصیت امام راحل به‌خوبی عمل کرده است... امروز در هیچ فسادى در کشور ما نامی از امیران و بزرگان ارتش وجود ندارد و این به معنای پاكی و دست‌پاكی و اخلاص ارتش جمهوری اسلامی ایران است.»

#### منطقاً و یقیناً باید نیت او را آلوده دانست

البته از سخنان چند روز اخیر فرماندهان سپاه و همچنین بیانیه نسبت‌تند این نهاد نظامی، این‌طور بر می‌آید که کلیت سپاه هم چنین نظری دارند و سخنان رئیس‌جمهوری در تقدیر از دست‌پاكی ارتش، منت‌نگذاشتن و واردسیاست‌نشدن ارتش را به نوعی زخم‌زبان به سپاه تلقی کرده‌اند. هرچند آنها نامی از روحانی نبرده بودند؛ اما اشارات تلویحی‌شان همین گفته را تأیید می‌کند. حالا مدیرمسئول «جوان» این‌گونه نوشته: «ممکن است گفته شود این جملات هیچ تعرضی را متوجه سپاه نمی‌کند و ایشان هیچ هدیه‌ای (۱) به سپاه نداده است. ابتدا اجازه دهید صغری و کبری موضوع را به عیار منطق بسپاریم و ادامه مطلب را بخوانید؛ جملات فوق روحانی منطقاً از دو حالت خارج نیست و در خلا سخن نمی‌گوید. یا فرماندهان و امیران ارتش از سوی فرد یا جبرانی متهم به فساد و سیاست‌بازی شده‌اند و روحانی به‌عنوان مدیر اجرایی کشور با دفاع از آنان درصدد اصلاح اذهان و دفاع بجا و بحق از ارتش است یا با این کار درصدد «قیاس» است که خاطب با پیداکردن غیریت و «دیگری»، معنادهی به موضوع را به صورت اجتهادی درک کند. همانند اینکه بدون متهم‌شدن به موضوع بگویند «دختر من جاسوس نیست» و مخاطب نتیجه بگیرد پس دختر دیگری جاسوس است. نتیجه اینکه کسی فرماندهان و عزیزان ارتش‌مان را به آنچه روحانی دفاع می‌کند، متهم نکرده است. پس منطقاً و یقیناً باید نیت وی را آلوده دانست و به قضاوت قطعی در قیاس رسید.»عبدالله گنجی» در ادامه سخنان سرداران و بیانیه سپاه، مستقیماً به روحانی حمله کرده است؛ او برای توجیه این‌منظور روحانی از تقدیر از ارتش طعنه و متلک به سپاه بوده. این مثال را زده: «تصویر کنید یک طبله میانسال در خیابان پاستور حاضر شود و فریاد بزند: «ایها‌التاس روحانیت هزارساله تشیع با زهد و تقوی و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی باز به همان شیوه زاهدانه زیسته‌اند. به خدا قسم قیمت لباده و قبابی من میلیون نیست و پارچه آن از ایتالیا نمی‌آید. بروید از فلان خیابا در قم بپرسید». آیا از او می‌پزیند که منظور او صرفاً خودش است و تمام؛ و از او نمی‌پرسند چرا این حرف را در این مکان می‌زنی؟»

#### ادامه از صفحه ۴

### حمله به تخفیف متعارف

به این موارد تلاش برای کاهش هزینه انتقال نفت و هزینه بیمه محموله‌های نفتی نیز باید اضافه شود. متغیرهای غیرمستقیم نیز موارد متعددی را شامل می‌شود که هرکدام از اهمیت بسیاری برخوردار است. زمان تسویه‌حساب پول نفت در این زمینه درخور توجه است. قراردادهایی که مشمول مدت‌زمان بیشتری برای تسویه‌حساب پول نفت هستند، به اعتباری می‌تواند اعطای امتیاز به کشور خریدار باشد. تسویه‌حساب و اینکه تسویه به صورت نقد باشد یا به‌تأثرتی، نیز از اهمیت در میزان و کیفیت بهره‌مندی از امتیازات و تخفیفات کشور مبدأ تأثیرگذار است. نوع ارز تخصیصی از سوی کشور مصرف‌کننده نیز در این راستا درخور توجه است. کشورهایی که از مرغوب (دلار یا یورو) برای تسویه‌حساب پرداخت می‌کنند تا ارزهای به‌اصطلاح مالی نامرغوب (یوان، روبیه، روبل و...) بیشتر از کشورهای فروشنده از امکان دریافت تخفیف با امتیازات برخوردار هستند. کشورها با دریافت ارزهای نامرغوب، هزینه‌هایی مانند کسری تبدیل ارز به ارزهای مرغوب را باید متقبل شوند که این مسئله سود آنها را کاهش می‌دهد. به این موارد باید مکان تسویه‌حساب نیز اضافه شود. اگر این مکان کشورهای اروپایی یا کشورهای با فعالیت گسترده بانکی و تجاری باشد، برای کشورهای تولیدکننده از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چون هزینه‌ای بابت انتقال از پرداخت نمی‌کنند. سوارد جزئی دیگری دراین‌باره وجود دارد که بستگی به نوع قرارداد و توافق صورت‌گرفته دارد؛ بنابراین با توجه به مطالب بیان‌شده، درنظرگرفتن تخفیف در تجارت کالا ازجمله نفت و گاز در جهان رقابتی امروز اصری عادی به نظر می‌رسد که کمیت و کیفیت آن به شرایط خاص سیاسی و اقتصادی طرف‌های تجاری بازمی‌گردد.